

ایران

- صاحب امتیاز:** خبرگزاری جمهوری اسلامی
- مدیر مسئول :** محمد حسن روزی‌طلب
- سردبیر:** حسام الدین برومند
- معاون فنی:** محمدملاعلی اکبری
- دبیران:** مصطفی عیوضی (سیاسی)
- مهدی مهرپور(اقتصادی)
- مصطفی وثوق کیا(فرهنگی)

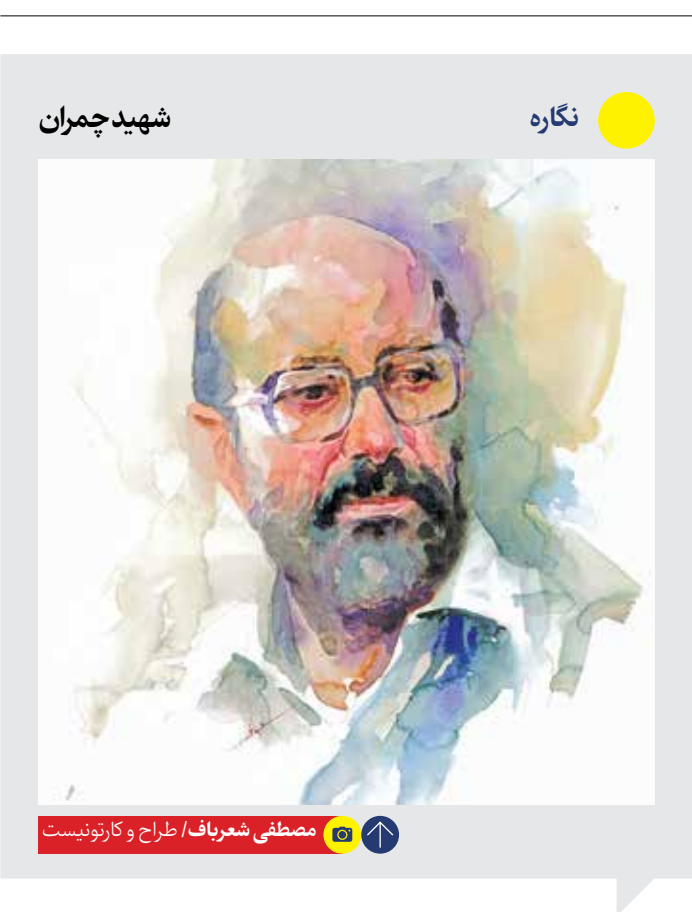


سخن‌روز

امام علی (ع) فرمود:

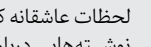
خدا را درباره خانه پروردگارتان در نظر داشته باشید تا هستید، آن را خالی نگذارید، زیرا اگر حرج متروک نشود نظر حضرت خدا از شما قطع خواهد شد.

(بحارالانوار ج ۱۶۹۶)



فضای مجازی

لحظات عاشقانه کنسرت علیرضا قربانی، پیام تولد کارگردان، تمدید کنسرت رضا یزدانی، نوشته‌هایی درباره شهید چمران و تحلیلی از تخلیه مقر منافقین در آلبانی را در فضای مجازی امروز بخوانید.



آرکادیا، بازی رایانه‌ای است که در آن بازیکنان با یکدیگر در یک دنیای مجازی رقابت می‌کنند. این بازی در سال ۲۰۰۳ توسط شرکت Electronic Arts منتشر شد.



لحظات زیبایی از جاری شدن اشک شوق و احساس در بردگان - قدردان قدوم مبارک و حضور سبزه‌تان در این ایام هستیم. قدم‌هایتان روی چشمانمان... سخت زیبا می‌روی یکبارگی / در تو حیران می‌شود نظارگی»



واکنش علیرضا قربانی به لحظات عاشقانه کنسرتش
علیرضا قربانی ویدیویی کوتاه از لحظه حضور یک زن و مرد کهنسال در کنسرتش را به اشتراک گذاشته و در متنی با عنوان «من به دستان تو پُل بستم به زیباتر شدن» در توضیح آن نوشته است: «در طول شب‌های کنسرت اخیر لحظات عاشقانه‌ای را با حضور تک تک شما عزیزان جان درک کردیم که شاید کمتر در طول زندگی قسمت هر کسی شود. لحظات زیبایی از جاری شدن اشک شوق و احساس در بردگان - قدردان قدوم مبارک و حضور سبزه‌تان در این ایام هستیم. قدم‌هایتان روی چشمانمان... سخت زیبا می‌روی یکبارگی / در تو حیران می‌شود نظارگی»



خواست ادای فرشته‌های بهشتی را درریاورد
حبیب احمدزاده در اینستاگرامش نوشت: «چمران و تمام جهانش به عنوان یک ابرانسان متعالی وجود که هرگز نخواست برطبق آموزه‌های غلط خودساخته، اواز فرشته‌های بی‌عرضه بهشتی را دریابود. سی و یکم خرداد سالروز شهادت این بزرگوار در خط مقدم جنوب در زمانه جنگ تحمیلی- چمران در کنار پیتیمان و فرزندان کشته شدگان جنگ داخلی لبنان در زیر زمین مؤسسه حرکت المحرومین، در اوقاتی که ساختمان این مؤسسه آموزش شبانه روزی برای این بچه‌ها، بی هیچ دلبلی، زیر آتش سنگین فالانژیستها قرار می‌گرفت.»



پاک‌سازی توئیتر از فحاشان حرفه‌ای
سید عطاءالله مهاجرانی در پی اقدام پلیس آلبانی به جمع‌آوری مقر منافقین در توئیترش نوشت: «اعلامیه شورای ملی مقاومت همان سازمان مجاهدین خلق نکات بااهمیتی دارد. از جمله از امروز شاهد عدم حضور فحاشان حرفه‌ای که با زبان و واژگان کلیشه‌ای از کمپ آلبانی در توئیتر حضور داشتند، خواهیم بود! پلیس آلبانی در واقع به بهداشتی شدن فضای توئیتر کمک کرده است. دست مریزاد!»



اسم فرزندی‌ش را از شدت علاقه او، چمران گذاشته بود
فاطمه رایگانی، فعال فرهنگی ضمن انتشار عکسی از یک جوان بوسنیایی درباره او توئیٓت زده است: «پارسال تو مراسم مارش میرا یا این مستند ساز ترک آشنا شدیم؛ چمران عزیز اوغلو. می‌گفت پدرش از شدت ارادت به شهید چمران این اسم را برایش انتخاب کرده. امروز خیلی یادش افتادم.»



بوی کباب براندازی نیست؛ خرداغ می‌کنند!
سیامک شاداکم، روزنامه‌نگار در پی استوری اینستاگرامش درباره یکی از تیتربهای BBC فارسی نوشت: «بی‌یوسفی این بنگاه خبرپرآکنی که تمام حیثیت حرفه‌ای‌اش را در اعتراضات اخیر زیر سؤال برد، تا دیروز به امید براندازی تمام تصاویر خسونت در اعتراضات و عمامه‌پرانی و کوکتل مولوتوف را نشان می‌داد حالا فهمیده بوی کباب براندازی نیست؛ خرداغ می‌کنند! و از موضعش عقب‌نشینی کرده و می‌گوید براندازی امکان‌پذیر نبود.»



تمدید کنسرت رضا یزدانی
نغمیشه زمین خورد و گریه نکرد... / بدادم برس بهترین تارقیق... / هنوزم به دستای تو قانعم... / هنوز عاشقم یا به زخم عمیق... / تو این روزهای سیاه و مریض... / فقط یکمی جای واسه من بریز» به همراه این ترانه رضا یزدانی برشی از اجرای کنسرت «چای» را که سوم خرداد در تهران اجرا شد ، منتشر کرده و خبر داده که این کنسرت برای ۱۴ تیرماه با کنداکتور جدید تمدید شد.

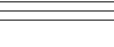


یادداشت کارگردان «جان‌دار» به بهانه تولدش
حسین دوماری کارگردان سینما که سال گذشته فیلم «یادگار جنوب» را در همکاری با پدرام روزامیری در چهل ویکمین جشنواره فیلم فجر داشت با انتشار تصویری به بهانه ۲۹ سالگی‌اش نوشته: «هیچ چیز نمی‌تواند جلوی گذر زمان را بگیرد، غم‌ها و شادی‌ها هرچه باشند می‌گذرند. پس به قول گاندی طوری باید زندگی کرد که انگار فردا قرار

- آزاده سهرابی (اجتماعی) « بنفشه غلامی(جهان)
- لیدا فخری(اندیشه) « محمدرضا عزیززی(گزارش)
- زهرا کشوری(زیست‌بوم) « سعید زاهدیان(ورزشی)
- مهدی کلهرزاد(اجرابی)
- حجت حکیمی (صفحه‌رایی)
- محسن جانی پور (ویراستاری) « ابوالفضل نسایی (عکس)

- تلفن:** ۸۸۷۶۱۷۲۰؛ شماره: ۸۸۷۶۱۵۲۴؛ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۰۷۵
- پيامک:** ۴۰۰۰۴۵۱۳۳؛ روابط عمومی: **نشانی** : تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
- صندوق پستی:** ۵۳۸۸-۵۳۸۸؛ **امور مشترکین:** ۸۸۷۴۸۸۰
- چاپ:** چاپخانه‌های همشهری، شرکت چاپ جام‌جم
- سازمان آگهی‌های روزنامه ایران:** دارندة گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
- پذیرش سازمان آگهی‌ها:** ۱۸۷۷(۰۲۱)
- انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران:** ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲

نقل قول



سلیقه تولیدکنندگان آثار نازل شده است نه مردم

ما در ژانر غیرکمدی فیلم خوب نداریم و به همین دلیل مخاطبش را هم نداریم. به همین راحتی ! سؤال مشخص من از این دوستان این است که کنسرت اخیر علیرضا قربانی، چند میلیونر فروش کرده است؟ مگر سبک قربانی، از جنس موسیقی پاپ مصرفی و سرگرم‌کننده است؟ پس چرا این اندازه فروش دارد؟ اصلاً کدام خواننده پاپ سرگرم‌کننده‌ای را سراغ دارید که این‌گونه بتواند فروش داشته باشد؟ همین مثال را می‌خواهم به سینما تعمیم بدهم و نتیجه بگیرم این‌گونه نیست که بگوییم سلیقه مردم نازل شده است. تولیدکنندگان ما نازل شده‌اند که دیگر نمی‌توانند اثر خوب تولید کنند. سینمای غیرکمدی ایران نیاز به یک ریل‌گذاری جدید دارد و قبول ندارم به دلیل مشکلاتی مانند صدور پروانه ساخت و یا ممیزی در این حوزه فیلم‌های موج‌آفرین ساخته نمی‌شود! مگر ما سخت‌گیرتر از مجموعه ساترا در حوزه نظارت و ممیزی در کشور داریم؟ تحت نظارت همین مجموعه سریال «پوست شیر» تولید و منتشر شد. پس حرف‌های مربوط به تأثیر ممیزی و نظارت را باید کنار بگذاریم. نمی‌خواهم منکر کج‌فهمی‌ها و بی‌سلیقگی‌ها شوم ولی متأسفانه یک سری ناکارآمدی‌ها، تبدیلی‌ها و طماعی‌ها را می‌خواهیم پشت ماجرای پروانه ساخت و سخت‌گیری ارشاد پنهان کنیم که شخصاً اصلاًن را قبول ندارم.

| بخشی از گفت‌وگوی مهر با سجاد نوروزی، مدیر سینما آزادی

یادداشت

فهم عمیق از حجاب



مرد گفت «خانم‌ها رعایت کنید. من نمی‌تونم خیلی چیزها رو بگم. ولی باید اینجاها با پوشش مناسب بیایید. اجازه بدید من مستقیم تکم ولی شما اگر درست لباس نپوشید، موجب می‌شه که آقایون…» در این گفتمان که عموماً مصداق‌های آن را در برخی از فعالیت‌های فرهنگی و محتواهای بنری می‌بینیم، هویت و کرامت زن به‌عنوان ابژه جنسی تقلیل می‌یابد. از طرفی، مصونیت از چهارچوب‌های جنسی مردان نیز تنها به او محول می‌شود.

دامنه‌های چنین نگاهی نسبت به حجاب آن قدر ادامه‌دار هستند که می‌توان تأثیرات آن را در سایر زمینه‌ها، دغدغه‌ها و پیش‌فرض‌های ذهنی و عرفی نظیر «همیشه جوان ماندن» و «همیشه‌زیبا ماندن» زن دید. با همین دیدگاه، صنعت مد و زیبایی روزبه‌روز با ایجاد احساس ناکافی‌بودن، پروازتر از قبل می‌شود. برگردیم به آن موقعیت و خواست مرد برای رعایت حجاب :

من نیز در آن موقعیت و به فراخور شهری که گردشگر و مسافران بودیم، سخت عقیده داشتیم که همه ما باید حدی از پوشش را رعایت کنیم و در انتخاب لباس وسواس به خرج بدهیم. دلیل من اما، نه به احساس مردان مربوط می‌شد و نه مسأله حجاب به مثابه قانون. من در آن موقعیت فکر می‌کردم که هر مسافر و گردشگری لازم است مناسبات فرهنگی مهم و بعضاً سنتی‌شان نباید برهم‌زننده یکدستی آن باشد. به همین دلیل، فکر می‌کردم به عنوان اخلاق شهروندی، اخلاق گردشگری و توجه به مسائل جامعه‌شناختی باید حواس جمع چنین حضوری باشیم تا مبادا عنصری متعارض در یک بافت فرهنگی به نظر بیایم.

در نتیجه فکر کردم کاش من به‌جای مرد به خودم و دیگران یادآوری می‌کردم در شهری که زن‌ها با چادر حریری ظاهر می‌شوند که یک پیرآن را روی شانه‌هایشان انداخته‌اند، احتمالاً حضور ما با تی‌شرت و شلوار و بدون حجاب سر که یکدستی اینجا را در فصلی غیرتوریستی و در مکان پررفت‌وآمد افراد بومی به‌هم می‌زند، از اخلاق گردشگری به‌دور باشد. نمونه‌فردی چنین مراقبت و داشتن حد پوشش زنانه حجاب را در جلستان دوره‌می نهج‌البلاغه خانه‌ام دیدیم. سهیلا که قائل به داشتن حجاب نیست، در جلسات ما به‌خاطر حضور دو دوست دیگر (آقا) که تقیدات شرعی داشتند، با لباس آستین‌پلند مسأله حجاب است.

نکته

چرا صنعت فرهنگ از فرهنگ صنعت غافل است؟



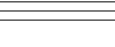
احتمالاًاین روزها به سراغ هنرمند و اهل فرهنگی بروید از خرابی معیشت و وضع بد اقتصاد فرهنگ برایتان خواهد گفت. نهادهای فرهنگی که در روزگاری نه‌چندان دور دست و دل‌بازانه برای حمایت از آثار فرهنگی و هنری دست در جیب می‌کردند چند سالی است که وضع مالی چندان خوبی ندارند و خیلی هنر داشته باشند بعد از دادن حقوق کارمندانشان در حد آب‌باریکه‌ای از محصولات فرهنگی هم حمایت‌کنند که آن هم البته شامل خیلی‌ها نمی‌شود. شما که غریبه نیستید وضع جیب مردم هم

چندان تعریفی ندارد و وقتی بخواهند خرج کنند از کف هرم مازلو شروع می‌کنند و بعید است چندان پولی برایشان باقی‌بماند که بخواهند برای نیازهای فرهنگی خرج کنند؛ بماند تعداد نه‌چندان کمی از آنها که دستشان به دهانشان می‌رسد هم خیلی وقت‌ها برایشان معنی ندارد پول خرج کتاب و فیلم و تئاترو صنایع فرهنگی‌کنند. در این هیرو و ویرهنرمند اهل فرهنگ هم با باید از جیب سایر اهالی خانواده مانند پدر معظم و ارث و همسر گرامی ارثآق کند یا در سختی روزگار بگذراند و یا اینکه عطای فرهنگ و هنر را به لقای اقتصادش ببخشد و به کسب و کار و زندگی بچسبد. حالا اینها را چرا گفتیم؟ هفته قبل بود که شرکت سنگ آهن مرکزی ایران تعدادی از خبرنگاران را برای بازدید از معادن و تلاش‌های این شرکت برد وسط بیابان‌های کویر مرکزی ایران و قاطعی خبرنگارهای اقتصادی‌ما چند نفر خبرنگار فرهنگی هم رفته بودیم تا قدری به غول‌های صنعتی و اقتصادی ایران هم سرک بکشیم و ببینیم از باب فرهنگ هم چیز دندان‌گیر نمی‌بینیم می‌شود یا نه؟ و البته که شد! خبرنگار فرهنگی روزنامه ایران از مجتبی حمیدیان مدیرعامل شرکت سنگ آهن مرکزی در مورد پیوست‌ها و اقدامات فرهنگی این شرکت پرسید. حمیدیان انگار وسط سؤال‌های اقتصادی و معدنی خبرنگاران اقتصادی منظر این سؤال بود و سردرددلش باز شد که ما دنبال اهالی فرهنگ می‌رویم و می‌گوییم شما را به خدا باید با پول بدیم و برایمان محصول فرهنگی تولید کنید اما هر که آمده دیگر خبری نداده که نداده. از رئیس فلان مرکز فرهنگی بزرگ‌گرفته تا مدیر بهمان شبکه تلویزیون تا آن شاعر و آن یکی مؤسسه فرهنگی که همه آمده‌اند و از اینکه یک سرمایه‌گذار دست به نقد برای فرهنگ پیدا کرده‌اند ذوق کرده‌اند ولی جز این ذوق‌زدگی دیگر کاری کرده و رفته‌اند. جالب است که انگار در کشور ما «صنعت فرهنگ» به صنعت و فرهنگ صنعت» فقط به چشم سفارش‌دهنده آگهی‌های بازرگانی نگاه کرده و از ظرفیت‌های مهم این حوزه برای تأمین مالی فرهنگ چشم‌پوشی کرده است. هر چند شرکت‌ها و صنایع بنابر اقتضای کارشان باید به توجیه اقتصادی کارهایشان توجه کنند اما نکته اینجااست که بخش اقتصاد هم در جهت مسئولیت اجتماعی و هم از جهت پیوندی که می‌تواند از طریق فرهنگ با بدنه بیشتری از مردم پیدا کند از صنایع فرهنگی استقبال می‌کند و نباید این فرصت مهم را در شرایط سخت اقتصادی فرهنگ از دست داد البته که اهالی فرهنگ هم باید ضمن آشنا شدن با ملاحظات و نکات صنعت، تلاش کنند دید دقیق‌تری نسبت به این بخش و نحوه ارتباط دهی آن با فرهنگ پیدا کنند.



بیا که تُرک فلک خوان روزها غبار کرد
هلال عید به دور قند اشارت کرد
نواب روز و حج قبول آن کس برد
که خاک میکده عشق را زیارت کرد
نماز در خم آن ایروان محرابی
کسی گند که به خون جگر طهارت کرد
حافظ

نشر



جستارهایی درباره آیین نشر

چرا کتاب نمی‌خوانیم؟

همان‌طور که دلایل ضرورت و اهمیت کتاب خواندن بسیار است و از خوبی‌ها و ارزشمندی‌های آن سخن‌ها گفته‌اند و هنوز جای گفتن دارد، نخواندن کتاب هم دلایل متنوع و البته پرزوری دارد؛ آنقدر قوی که خیال می‌کنیم زورشان بر کتابخوانی چربیده و بسیاری با این همه تبلیغ ارزشمندی مطالعه، همچنان اسیر این دلایل‌اند. اما این دلایل چه هستند؟ تبدیلی و بی‌حوصلگی؟ فکر نمی‌کنم؛ البته اینطور نیست که بگوییم در روزگار ما با سرشلوغی‌ها و ویژگی‌هایش مطالعه کم شده. اتفاقاً این روزها مردم بیشتر از تمام دوران‌ها کتاب می‌خوانند. گواش حجم تولید و خرید و فروش‌های کتاب است. و مهم‌تر از آن درصد آدم‌های باسواد با توان کتاب خریدن و خواندن است که تا پیش از این در اقلیت بودند و حالا اکثریت‌اند. درواقع این روزها بهترین روزهای تاریخ کتابخوانی است و بشر امروز بیش از هر زمانی کتاب در دسترس دارد و می‌خواند.

با این همه آنچه‌ان که باید و شاید کتاب خوانده نمی‌شود. درباره این شاید و باید کمیت مطالعه در روزگار ما بعداً سخن می‌گوییم اما فعلاً برویم سراغ چرایی نخواندن‌ها. در ادامه چند دلیل مهم برای کتاب نخواندن یا دست‌کم کم‌خوانی را بررسی می‌کنیم، نه به این دلیل که راهی برای رفع آنها و ترویج کتابخوانی بیابیم بلکه ببینیم چرا کتاب خوانده نمی‌شود.

فضای مجازی

در دنیای امروز، فضای مجازی و رسانه‌های اجتماعی بسیار پررونق هستند. از افراد پرسه‌زن و وقت‌گذران در فضای مجازی که بگذریم، برخی افراد به جای خواندن کتاب به مطالعه‌های کوتاه و ضربتی و گذرا در فضای مجازی بسنده می‌کنند و دیگر سراغی از کتاب نمی‌گیرند.

هزینه

کتاب مفت نیست، نمی‌شود گفت که گران هم هست؛ اما هزینه‌ای است که با اصل صرفه‌جویی بعضی آدم‌ها نمی‌خوانند و صرفه‌ای در آن نمی‌بینند. گویی جایی خرج می‌کنند که بهره‌ای ندارد.

کمبود زمان

در برخی مشاغل و سبک زندگی‌ها آدم‌ها شب‌از‌روز نمی‌شناسند و بالطبع وقتی برای مطالعه هم ندارند. چه بسا نتوانند خانواده و دوستانشان را هم ببینند. این یعنی بیش از اینکه مشکل زمان‌بندی داشته باشند، مشکل مشغله دارند. کتاب برای چنین آدم‌هایی حتی وجود هم ندارد.

اولویت‌های مختلف

در دوران اولویت‌های زندگی، گاهی نوبت به خواندن کتاب نمی‌رسد. شاید کسی دوست داشته باشد سفر کند تا مطالعه. دوست داشته باشد با خانواده و دوستانشان وقت بگذراند تا کتاب. علاقه و نیاز است که اولویت را مشخص می‌کند و کتاب برای هر کسی میل‌برانگیز نیست.

کم‌اهمیتی به خواندن کتاب

برخی اساساًنه می‌دانند و نه قبول دارند که کتاب خواندن کاری ضروری است؛ چه بسا آن را فضیلت هم نمی‌دانند. برای چنین آدمی کتاب خواندن حتی معنای کنش واقعی هم نمی‌دهد چه رسد که آن را سودمند هم بدانند.

دسترسی نداشتن به کتاب

دسترسی به کتاب و کتابخانه و کتابفروشی برای برخی افراد دشوار و حتی ناممکن است. هزینه بالای تهیه کتاب‌ها، یا دسترسی نداشتن به اینترنت هم مزید بر علت می‌شود. کسی که دسترسی نداشته باشد، از دسترس کتاب خارج می‌شود.

بی‌میلی و بی‌علاقگی

یکی از دلایل مهم برای نخواندن کتاب، بی‌علاقگی به کتاب خواندن است. بی‌علاقگی به موضوع کتاب و ناآگاهی از روش پرداخت کتاب‌ها به مسائل هم به این بی‌علاقگی اضافه می‌کند. این افراد جذب کتاب نمی‌شوند مگر اینکه چیز جالب و جذابی یقه‌شان را بگیرد.

سبک نوشتاری

راه‌یافتن محاوره به مکاتبات هر روزه ما توقع ما از کتاب و توان ما در مطالعه را تغییر داده و هر متن نثری را برنمی‌تابیم. کتاب‌ها با مکالمات روزمره ما متفاوت‌اند و غیرعادی می‌نمایند. اینظوری خیلی از آدم‌ها با کتاب خواندن ارتباط برقرار نمی‌کنند و کتاب سختشان می‌شود.

نابلدی کتاب‌خواندن

از سواد خواندن تا قدرت فهم و درک کتاب، مهارت‌هایی است که برای کتابخوانی بدان نیازمندیم. ضعف این مهارت‌ها که گستره‌آن زیاد و آموزش‌هایش کم است، کتابخوانی و میل به کتابخوانی را کم‌رنگ می‌کند.

تمرکز نداشتن

به تیر رساندن مطالعه یک کتاب تمرکز می‌خواهد و هر کسی از پس آن برنمی‌آید. عملاً خواندن کتاب گاهی رحمت و دردسری بیش از وقت گذاشتن عادی روی دوش ما سوار می‌کند.

ناکامی در خواندن

کتاب‌های تمام‌نشده یا کتاب‌های بد، تجربه‌هایی با‌دارنده می‌شوند و کتاب و کتابخوانی را در کام انسان تلخ می‌کنند. این احساس ناکامی مانع بزرگی پیش روی شوق و انگیزه کتابخوانی است.